



## مقدمه

با تغییر ریاست اجرایی در ایالات متحده، یکی از مهمترین و مبهم‌ترین سوالاتی که پیش روی کارشناسان قرار دارد، رویکرد آتی دولت جدید واشنگتن در قبال طولانی‌ترین جنگ تاریخ ایالات متحده می‌باشد؛ سؤالی که نه تنها در ذهن سیاستگذاران و محققان مطرح است، بلکه ذهن بسیاری از مردم عادی در افغانستان را نیز به خود درگیر ساخته است. زیرا مردم افغانستان بیش از سایرین از تغییر سیاست‌های واشنگتن متأثر خواهند شد؛ چه اینکه حتی پس از اعلام و پیش از اجرایی شدن "سیاست خروج" نیروهای ناتو از افغانستان در سال ۲۰۱۴، سرمایه‌گذاری خارجی سیر نزولی یافت و این امر، هم بر نرخ رشد اقتصادی و هم بر نرخ بیکاری تأثیرات مهمی برجای گذارد و از این طریق، زندگی روزمره مردم را با اخلاص بیشتری مواجه ساخت. در همین راستا، رشد اقتصادی افغانستان در سال ۲۰۱۶، ۱/۲ درصد بود؛ این در حالی است که میانگین رشد اقتصادی افغانستان طی سال‌های

۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲، به سبب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و نیز اجرای برنامه‌های عمرانی، ۹/۴ درصد بود. علاوه بر این، نرخ بیکاری در سال ۲۰۱۳، ۸ درصد بود و همزمان با سال خروج نیروهای ناتو از افغانستان در سال ۲۰۱۴، با افزایش چشمگیری مواجه شد و به رقم ۲۵ درصد رسید که این رقم در سال ۲۰۱۶، به ۴۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

علاوه بر این، بر اساس آمار بانک جهانی، افغانستان از نظر کیفیت و بهره‌وری سرمایه‌گذاری، در رتبه ۱۷۷ قرار دارد. تعداد شرکت‌های ثبت‌شده در سال ۲۰۱۵ به مراتب پایین‌تر از سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ قرار دارد. که حاکی از دشواری‌های راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید در افغانستان است.

## افغانستان پیش روی ترامپ

افغانستان امروز در بی‌ثبات‌ترین حالت از سال ۲۰۰۱ تاکنون قرار دارد؛ بدین معنا که در حال حاضر طالبان از بیشترین کنترل بر مناطق مختلف این کشور از زمان آغاز جنگ برخوردار است و از میان ۹۸ گروه تروریستی که توسط وزارت خارجه آمریکا

خطری که این منطقه را تهدید می‌کند، مطرح شده است.

### دیدگاه محافل فکری آمریکا در قبال افغانستان

بر اساس تحقیق یک اقتصاددان دانشگاه هاروارد، لیندا بیلمز، هزینه واقعی جنگ ایالات متحده آمریکا در افغانستان، بالغ بر ۴ تریلیون دلار می‌شود. همچنین بر اساس گزارش گروه تحقیقات بودجه فدرال، در حال حاضر آمریکا در افغانستان در هر ساعت ۴ میلیون دلار هزینه می‌کند.<sup>۱</sup> علاوه بر این، ۲۲ هزار آمریکایی در افغانستان کشته و زخمی شده‌اند؛ این در حالی است که در صورت اتمام جنگ و برقراری صلح، هزینه‌های انسانی و مادی این کشور بسیار کاهش خواهد یافت. لذا با توجه به هزینه‌های هنگفت دولت آمریکا در افغانستان، برخی از سیاستمداران و کارشناسان آمریکایی، نسبت به تداوم این رویکرد، انتقاد دارند.

علاوه بر انتقاداتی که به سبب هزینه‌های فراوان در افغانستان مطرح است، به نظر می‌رسد که در مورد خطر اصلی موجود در منطقه نیز میان تحلیلگران آمریکایی، اجماع نظر وجود ندارد؛ در واقع در میان آنها، دو دیدگاه کلی قابل تشخیص است: دیدگاه اول را کارشناسانی نمایندگی می‌کنند که برای افغانستان در طرح سیاست خارجی آمریکا اولویت قائل هستند و آن را موضوعی محوری تلقی می‌کنند. دسته دوم، محققانی هستند که اهمیت اصلی را به تهدیدات هسته‌ای در منطقه معطوف می‌کنند. در همین راستا، اخیراً کتابی توسط دانشگاه دفاع ملی آمریکا تحت عنوان

به‌عنوان سازمان‌های تروریستی طبقه‌بندی شده‌اند، ۲۰ گروه در این کشور فعالیت دارند.

علیرغم اینکه آمریکا و شرکای بین‌المللی آن از سال ۲۰۰۱ تاکنون، منابع قابل توجهی را صرف تامین امنیت، ایجاد ثبات و بازسازی افغانستان کرده‌اند. با این همه، تحولات اخیر نشان می‌دهد که دستاوردهایی که تاکنون بدست آمده، به شدت در معرض تهدید و خطر نابودی قرار دارند؛ به نحوی که دو سناریوی محتمل برای یک سال آینده افغانستان از نگاه شورای روابط خارجی آمریکا، فروپاشی دولت افغانستان و کسب پیروزی‌های عمده در میدان‌های جنگ توسط طالبان و گسترش قلمرو آنها به شهرهای بیشتر می‌باشد. نخستین احتمال، می‌تواند تاثیر منفی گسترده‌ای بر توان عملیاتی ارتش ملی افغانستان برجای بگذارد و احتمال دوم، می‌تواند دولت وحدت ملی که هم اکنون نیز در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد را بیشتر تضعیف نماید؛ سناریوهایی که هر دو برای افغانستان پیامدهای وخیمی به دنبال خواهد داشت و در صورت وقوع هر یک از این دو سناریو، توانایی دولت افغانستان در جهت کنترل بر کشور، به شکل قابل توجهی کاهش خواهد یافت.

علاوه بر این، وقوع این تحولات، احتمال فعالیت بیشتر گروه‌های افراطی از جمله القاعده را افزایش داده و رقابت‌های امنیتی میان قدرت‌های منطقه‌ای بویژه میان دو قدرت هسته‌ای هند و پاکستان را تشدید خواهد کرد؛ امری که اخیراً در کتابی که توسط دانشگاه دفاع ملی آمریکا تحت عنوان "نقشه راه: گزینه‌های استراتژیک برای دولت جدید" منتشر شده است، به عنوان بزرگ‌ترین

1. <http://www.huffingtonpost.com>.

"نقشه راه: گزینه‌های استراتژیک برای دولت جدید" منتشر کرده است که در آن، بزرگ‌ترین خطر در این منطقه، خطر جنگ به ویژه جنگ اتمی میان هند و پاکستان مطرح شده است؛ از نظر نویسندگان این کتاب، "افغانستان و امنیت آن، از اهمیت ثانوی" برخوردار است.<sup>۲</sup>

باید به این نکته نیز توجه داشت که صرف دیدگاه ترامپ و مشاورانش در جهت‌گیری سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال افغانستان مطرح نیست؛ بلکه عوامل دیگری مانند نوع و کیفیت رابطه ترامپ با رهبران دولت وحدت ملی نیز حائز اهمیت می‌باشد. چه اینکه عدم وجود رابطه صمیمی میان او با کرزی، تأثیر مشهودی بر رابطه دولت آمریکا با افغانستان برجای گذاشته بود و کاشناسان همواره سردی روابط میان این دو کشور را ناشی از این مسأله مطرح می‌ساختند. لذا بهبود روابط شخصی میان ترامپ و اشرف غنی و عبدالله عبدالله، می‌تواند در جذب کمک‌ها از سوی آمریکا بسیار مفید باشد. همچنین نقش کنگره نیز در جهت شکل‌دهی به رویکرد به افغانستان به ویژه در قالب تدوین بودجه، اهمیت بسزایی دارد. به طور کلی، در میان نمایندگان و سناتورهای آمریکایی نیز در قبال اتخاذ رویکرد نسبت به افغانستان، اختلاف نظر وجود دارد؛ دسته‌ای از آنها، اساساً با اعطای کمک‌های خارجی مخالف هستند و بخش دوم که نسبت به معضلات افغانستان و نیاز مبرم این کشور به بودجه و کمک‌های خارجی واقف هستند و دیدگاه مثبتی در قبال آن دارند.

### رویکرد ترامپ در قبال افغانستان

آنچه که روشن است، اینکه تاکنون هیچ رویکرد صریح و علنی‌ای از سوی ترامپ در مورد افغانستان مطرح نشده است. ترامپ در زمان مبارزات انتخاباتی‌اش، بر عدم اعتقاد وی به "روند ملت‌سازی" و نیز ضرورت کاهش هزینه‌های تأمین امنیت ایالات متحده برای سایر کشورها تأکید کرده است. علاوه بر این، ترامپ در سال ۲۰۱۲، ضرورت خروج سربازان آمریکایی از افغانستان و صرف این هزینه به جای افغانستان، در جهت بازسازی خود آمریکا را مطرح کرده بود. وی افغانستان را به عنوان جایی که "ما میلیاردها میلیارد دلار را ضایع کرده‌ایم"، می‌شناخت.

اما پس از اعلام پیروزی در انتخابات، ترامپ دست به دو اقدام متفاوت از مواضع اعلامی خود نسبت به گذشته زد؛ وی از یک سو، در تاریخ ۱۲ آذر (۲ دسامبر)، طی تماس تلفنی با اشرف غنی، بر تعهد ایالات متحده در قبال افغانستان، تأکید کرد. همچنین اخیراً نیروی دریایی آمریکا نیز اعلام کرده که ۳۰۰ تنگدار دریایی این کشور را در بهار ۲۰۱۷ به هلمند در جنوب افغانستان می‌فرستد. این اقدام را می‌توان نشانه‌ای بر عزم دولت ترامپ در مبارزه با بی‌ثباتی در افغانستان تعبیر نمود.

از سوی دیگر، رویکرد ترامپ نسبت به پاکستان نیز همانند افغانستان، زمان پیشاریاست جمهوری، دستخوش تغییر با شده است؛ ترامپ در ژانویه ۲۰۱۲ نظر خود در قبال پاکستان را اینگونه توثیق کرده بود: "رک و راست باشیم: پاکستان دوست ما نیست. ما به آن‌ها میلیاردها میلیارد دلار داده‌ایم و چه چیزی به جز خیانت، بی‌احترامی و بسیار بدتر از آن را به دست

2. Round-table on "US-Afghanistan Relations under President Trump", Afghan Institute for Strategic Studies (AISS).

مارشال در قبال بازسازی اروپا و نیز ۲۳۰۰ کشته، پرداخت کرده است. در واقع شرایط در درون افغانستان و منطقه، به گونه‌ای است که ترامپ راهی به جز حفظ تعداد کنونی نیروهای امریکایی در افغانستان در کوتاه‌مدت به منظور ایجاد و یا حداقل حفظ ثبات نسبی کنونی در افغانستان و مهار پاکستان ندارد.

نکته مهمی که می‌توان از کتاب "هنر معامله‌گری" ترامپ در جهت موضوع این گزارش استخراج کرد، این است: اعتقاد دارم وقتی مجبور هستید باید خرج کنید. ولی به این نیز اعتقاد دارم که بیش از آن چه لازم است خرج نکنید.<sup>۳</sup> اگر این جمله ترامپ را به عنوان اعتقاد وی مورد توجه قرار دهیم، می‌توان این پیش‌بینی را صورت داد که احتمالاً در مورد نحوه مصرف کمک‌های آمریکا سخت‌گیری‌های بیشتری صورت خواهد گرفت؛ بدین معنا که بازرسی‌ها و نظارت‌ها بر نحوه خرج کردن این کمک‌ها افزایش خواهد یافت. این مسأله زمانی اهمیت بیشتری خواهد یافت که بدانیم بر اساس گزارشی که اخیراً توسط دولت امریکا صورت گرفته، مشخص شده که برنامه‌های مبارزه با فساد امریکا ناکام مانده است و بخشی از کمک‌های خارجی، به دست طالبان افتاده است. علاوه بر این، با توجه به آمارهای سازمان شفافیت بین‌المللی، افغانستان سومین کشور فاسد جهان است. فساد یکی از مهم‌ترین عوامل فقر شدید و گسترده در این کشور به‌شمار می‌آید؛ افغان‌ها برای انجام کار خود، روزانه ۳ میلیون دلار رشوه پرداخت می‌کنند.<sup>۳</sup>

علاوه بر این، ترامپ در گفتگوی تلفنی خود با اشرف غنی، نسبت به مشارکت در بخش معادن

آورده‌ایم؟". این در حالی است که وی اندکی پس از انتخابات، طی یک تماس تلفنی با نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، موضعی متفاوت نسبت به گذشته اتخاذ کرد و پاکستان و مردم آن را ستود و از نواز شریف به عنوان یک "مرد فوق‌العاده" نام برد؛ مسأله‌ای که به شدت موجب نگرانی افغان‌ها شده است. زیرا دولت وحدت ملی طی سال گذشته، تلاش‌های فراوانی را در جهت منزوی ساختن پاکستان در سطح منطقه‌ایی و بین‌المللی صورت داده است و مدعی است که پاکستان مهمترین عامل بی‌ثباتی در افغانستان است. هر چند که این امر از ادعا فزون تر است و در فروردین سال جاری، سرتاج عزیز مشاور امور خارجی پاکستان، نیز مسأله استفاده طالبان از پناهگاه‌های امن در پاکستان و نفوذ آنها بر رهبران این گروه را مورد تأیید قرار داد.

معضل مهمی که افغانستان با آن مواجه است، عدم وجود یک نیروی نظامی و امنیتی مستحکم و موثر به منظور تامین ثبات در این کشور است؛ از سوی دیگر، نهادهای کارآمد و یک جامعه مدنی قوی که این نیروها را مورد حمایت قرار دهد، وجود ندارد. اینگونه به نظر می‌رسد که این امکان برای دولت ترامپ وجود ندارد که خودش را به طور جدی در جنگ افغانستان درگیر کند و یک برنامه و استراتژی برای خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان ارائه نماید. این در حالی است که کشورهایمانند روسیه و چین، مترصد بهره برداری از فضای خلاء ایجاد شده در پی خروج نیروهای امریکایی هستند؛ آن هم در جایی که آمریکا هزینه‌های هنگفت، حتی بیش از طرح

3. <http://thediplomat.com/>

افغانستان علاقمندی خود را ابراز کرده است که با توجه به سبقه تاجرپیشه‌گی ترامپ، گمانه زنی‌هایی می‌توان صورت داد در جهت گسترش فعالیت‌های اقتصادی آمریکا در افغانستان.

از سوی دیگر، اتخاذ برخی از سیاست‌های ترامپ، پتانسیل گرایش به افراطی‌گرایی و نیز تقویت گروه‌های افراطی را افزایش می‌دهد. از جمله دستور حمله به پایگاه‌های القاعده در یمن و نیز امضای قانون منع ورود اتباع ۷ کشور عمدتاً مسلمان تحت عنوان "حفاظت از آمریکا در مقابل حملات تروریستی" در همین راستا، می‌توان به سخنان سناتور مک‌کین نیز اشاره کرد که اقدام آقای ترامپ را "روندی گیج‌کننده" خواند که احتمالاً بهانه تبلیغاتی بیشتری در اختیار گروه موسوم به دولت اسلامی قرار خواهد داد.

لذا اتخاذ این سیاست‌های رادیکال از سوی دولت جدید آمریکا، می‌تواند احساسات ضدآمریکایی در افغانستان را نیز تشدید کرده و از سوی دیگر، گروه‌های افراطی را تقویت کند که خود به ناامنی‌های این کشور دامن خواهد زد. علاوه بر این، باید به علاقه القاعده به تحکیم و گسترش روابط خود با طالبان نیز اشاره کرد که مورد تأیید ژنرال چارلز کلیولند، سخنگوی نیروهای ناتو و آمریکا در افغانستان نیز قرار گرفته است.

### جمع‌بندی

از آنجایی که نگاه ایالات متحده به افغانستان بلندمدت است، بعید به نظر می‌رسد که با وجود تغییر حکومت در آمریکا و روی کار آمدن

ترامپ، این کشور، سیاست خروج از افغانستان را پیگیری نماید و اینگونه به نظر می‌رسد که ترامپ، استراتژی اوباما در افغانستان را ادامه خواهد داد. زیرا خروج کامل نیروهای نظامی از افغانستان، نه تنها ائتلاف شکننده رهبران حکومت وحدت ملی را از بین خواهد برد بلکه حمایت‌های مالی جامعه جهانی از این کشور را که برای حفظ نهاد دولت حیاتی است را نیز کاهش خواهد داد. در همین راستا، می‌توان به سخنان ژنرال مایکل فلین، مشاور امنیت ملی ترامپ، اشاره کرد که افغانستان را بخشی از یک جنگ گسترده‌تر می‌داند که ایالات متحده برای نسل‌ها باید در آن بجنگد. او در سال ۲۰۱۶، در کتاب خود تحت عنوان "زمین جنگ" نوشت: «ما القاعده و ایرانی‌ها را در عراق، طالبان و متحدان‌شان را در افغانستان شکست دادیم. با این وجود، آن‌ها به جنگ ادامه دادند و ما کنار رفتیم. بیایید با آن رودرو شویم. در حال حاضر ما داریم می‌بازیم، و من از یک جنگ بسیار بزرگ می‌گویم، نه تنها سوریه، عراق و افغانستان. ما در یک جنگ جهانی علیه یک جنبش توده‌ای مسیحایی مردم بد که اکثریت‌شان از ایدئولوژی تمامیت‌خواه اسلام رادیکال الهام می‌گیرند، قرار داریم».

لذا سیاست جنگ آمریکا با تروریسم اسلامی، موضع افغانستان را در سیاست خارجی ترامپ تقویت خواهد کرد و همچنین این احتمال را افزایش می‌دهد که ترامپ حملات هواپیماهای بدون سرنشین در افغانستان را تشدید نماید.

نکته مهم دیگری که در مورد منابع ملی جمهوری اسلامی ایران مطرح است، آنکه افغانستان برای ایالات متحده از جایگاه ویژه ژئوپلیتیکی برخوردار

است. زیرا هم امکان نظارت بر دو قدرت هسته‌ای منطقه، هند و پاکستان، و هم امکان کنترل بر ایران و تهدید غیرمستقیم ایران را برای این آمریکا فراهم می‌آورد. لذا بعید به نظر می‌رسد که حتی با روی کار آمدن ترامپ، به عنوان طرفدار خروج از افغانستان و اتمام هزینه‌های نابجا در طولانی‌ترین جنگ ایالات متحده نیز سیاست این کشور در قبال افغانستان حداقل در کوتاه‌مدت دستخوش تغییرات شگرف مانند خروج کامل نیروها شود.

در همین راستا، به نظر می‌رسد که ایران می‌تواند با تأکید بر ظرفیت‌های اقتصادی و فرهنگی خود در افغانستان و بدون برانگیختن حساسیت و توجه رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی، به دنبال گسترش فضای مانور و نفوذ بیشتر خود در این کشور برآید.

